

● پروفیسور جويس بلو

ترجمه ی لیلا ضیا مجیدی

www.institutkurde.org منبع:

زبان و ادبیات کردی

اشاره: خانم پروفیسور جويس بلو دارای دکترای زبان شناسی کردی از دانشگاه سوربن است. وی همچنین استاد موسسه ملی زبانها و تمدن‌های شرقی (INALCO) می‌باشد. این موسسه فرانسوی مرکزی برای آموزش عالی و تحقیقات علمی در باره زبانها و تمدنهای شرقی است و بسیاری از این زبانها نیز در این مرکز تدریس می‌شوند. پروفیسور بلو در قاهره متولد شده است. در دهه ۵۰ به فرانسه رفت و تحصیلات دانشگاهی اش را در زمینه زبانهای عربی، فارسی و کردی آغاز کرد و لیسانس زبان و ادبیات کردی گرفت. ابتدا مدتی در بلژیک مشغول به کار شد. سپس از سال ۱۹۷۰ در فرانسه به تدریس در دانشکده زبانهای شرقی پرداخت. یکی از استادان او کامران بدرخان بود که بلو کرمانجی را نزد او آموخت و سپس خود شخصا به آموختن سورانی پرداخت. به عراق رفت و چندین ماه در عراق زندگی کرد. پس از مرگ بدرخان وی جانشین استاد خود در دانشگاه سوربن شد. وی هم اکنون در این دانشگاه مشغول تدریس سورانی و کرمانجی است و همچنین تدریس درس‌هایی مانند فرهنگ کردی و تمدن کرد را نیز عهده‌دار است. پروفیسور بلو عضو یک گروه تحقیقاتی به نام (دنیای ایرانی) در مرکز تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) است. او تعداد زیادی مقاله تحقیقی در مورد زبان و ادبیات کردی نوشته است. همچنین کتب مهمی چون متد زبان کردی کرمانجی، متد زبان کردی سورانی، خاطرات کردستان، کردی آمادیا و جبال سنجر و مسئله کرد (مجموع مقالات جامعه‌شناسی و تاریخی) را نگاشته است.

کردی، زبان بیش از ۲۵ میلیون کردی است که در سرزمین وسیعی از یک حوزه جغرافیایی زندگی می‌کنند. این زبان متعلق به خانواده زبانهای هند و اروپایی است و جز گروه زبانهای ایرانی - آریایی می‌باشد. در حد فاصل اولین و دومین هزاره قبل از میلاد است که قبایل و مردم ایرانی تبار آسیای مرکزی و سرزمین‌های مجاور شروع به تغییر مکان به سمت فلات ایران و استپ‌های ناحیه ساحلی دریای سیاه می‌کنند.

با تصرف این منطقه، این قبایل با ساکنین آن منطقه یکپارچه شدند. بدین معنی که زبان و نام خود را به مردم ایرانی، آریایی دادند که قبلا در این خاک سکونت داشتند. برخی، این یکپارچه سازی کامل را رد می‌کنند. امروزه، هنوز هم عده قابل توجهی از کردهای غیر کرد زبان در کردستان ترکیه، ایران و عراق مستقر هستند.

کردی، زبان مردم کرد که متعلق به گروه شمال غرب زبانهای ایرانی - آریایی است، هیچگاه فرصت یکدست شدن را نیافته است و لهجه‌های آن عموماً به سه شاخه تقسیم می‌شوند که به وضوح همانند هم هستند. مهمترین آنها به دلیل تعداد گویشوارانش کردی شمال است که معمولاً «کرمانجی» نامیده می‌شود. این گروه از کردها در ترکیه، سوریه و در شوروی زندگی می‌کنند. همچنین قسمتی از کردهای ایران و عراق به این لهجه سخن می‌گویند و نیز ۲۰۰۰۰۰ کرد زبان مستقر در اطراف کابل افغانستان نیز به این لهجه تکلم می‌کنند. این شاخه از کردی منشأ یک زبان ادبی شده است. شاخه مرکزی، شامل کردی است که در شمال شرقی عراق صحبت می‌شود و «سورانی» نامیده می‌شود کردهای آن سوی زاگرس در کردستان ایران هم به همین لهجه سخن می‌گویند. این شاخه هم زبان ادبی دیگری ایجاد نموده است.^۱

همیشه، نخبگان روشنفکری در بین کردها بوده‌اند که در طول قرن‌ها افکار خود را به زبان غالب بیان می‌کردند. از همین رو تعداد بسیار زیادی از روشنفکران کرد به عربی، فارسی و ترکی نوشته‌اند. این امر را می‌توان در آثار مورخ و زندگینامه‌نویس کرد، ابن‌الاسیر مشاهده کرد.

مورخی که در قرن سیزدهم می‌زیست و به زبان عربی می‌نوشت. در حالی که ادریس بتلیسی از مقامات عالی رتبه عثمانی و با اصلیت کرد، در سال ۱۵۰۱ میلادی، هشت بهشت را به فارسی می‌نویسد. این کتاب اولین اثر تاریخی در مورد هشت پادشاه عثمانی می‌باشد. شاهزاده شرف خان فرمان‌روای امیر نشین کرد بتلیس در اواخر قرن شانزدهم اثر تاریخی خود را در باره کردها به فارسی نوشته است. این اثر منبعی عالمانه درباره‌ی تاریخ قرون وسطای کردها می‌باشد.

دشوار بتوان برای آغاز ادبیات کردی تاریخی معین کرد. ما هیچ چیزی درباره‌ی فرهنگ پیش از اسلام کردها نمی‌دانیم. از طرفی تنها قسمتی از متون ویرایش شده است و نمی‌دانیم چه تعداد از این متون در پی اغتشاش‌های بی‌وقفه و درگیریهایی که از چندین قرن پیش در سرزمین کردستان صورت گرفته است، نابود شده‌اند.

نخستین شاعر شناخته شده‌ی کرد «علی حریری» است که در سال ۱۴۲۵ در «هاکاری» متولد شده و حدود سال ۱۴۹۵ از دنیا رفته است. مضمون‌های مورد علاقه‌ی وی همانهایی هستند که اغلب، هموطنانش به آنها خواهند پرداخت: عشق به وطن، زیبایی‌های طبیعتش و زیبایی دختران سرزمینش. کردستان در قرن شانزدهم میدان نبرد بین فارسها و ترکهاست. بالاخره، امپراطوری‌های عثمانی و ایرانی تأسیس می‌شوند و در اوایل نیمه دوم قرن، مرزهای خود را تثبیت می‌کنند. به بیانی، آنها سرزمین

کردها (کردستان) را بین خود تقسیم می‌کنند. اولین آثار شناخته شده و جاودان ادبی کرد به این دوره برمی‌گردد. این آثار همزمان با تثبیت مرزهای عثمانی و پارس به منظور مخالفت با آن به وجود می‌آید. شناخته‌شده‌ترین شاعر در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم (شیخ احمد نشانی) ملقب به (ملای جزیری) است. او اهل جزیره ی (بوتان) بود و مانند بسیاری از ادیب‌های آن زمان شناخت خوبی از عربی، فارسی و ترکی داشت. ذهن او همچنین از فرهنگ ادبی عربی - فارسی انباشته بود. اثر شاعرانه‌ی او با بیش از ۲۰۰۰ بیت، همچنان اثری مردمی است. البته این اثر طبیعتاً دوباره ویرایش شده است. او بسیار سفر کرد و شاگردان بسیاری را تعلیم داد. شاگردانش تلاش می‌کردند با اختیار کردن زبان وی که از همان زمان به عنوان یک زبان ادبی شناخته شده بود، از استاد خود تقلید کنند. به تدریج احساس تعلق به یک ذات مشترک میان کردها گسترش یافت. در این عصر است که (احمد خانی) شاعر متولد می‌شود. وی که اصالتاً بایزیدی است، به بیانی نخستین شاعر بزرگ کرد می‌باشد. او در اثر خود (مهم وزین)، شعری طولانی با بیش از ۲۶۵۰ بیت، اصول استقلال کردها را بیان می‌کند.

در قرن نوزدهم، در پی پیشرفت عمومی جنبشهای آزادیخواهانه ملی در دل امپراطوری عثمانی، و به دلیل اینکه این جنبش‌ها رنگ قبیله‌ای داشتند، یک جنبش ملی‌گرایی به آرامی در حال گسترش بود. با وجود قدری تأخیر که ناشی از دوری‌گزیدن و انزوای ملت کرد بود، یک ادبیات جدید شکوفا شد.

نویسندگانی که در جوانی در حجره‌ها و مکتب‌های قرآنی در سطوح عالی پرورش سنتی یافته بودند، به خوبی بر عربی و فارسی تسلط داشتند. شعر این دوره درون مایه‌ها و صور خیالش را کاملاً از سنت پارسی الهام می‌گرفت. ولی شاعران در نوآوری نمادها و موسیقایی بودن ابیات تخیلی شگرف از خود نشان می‌دادند. این شعر در ابتدا، مایه‌ی مذهبی داشت (چرا که عصر شکوفایی حلقه‌های صوفیانه بود) ولی شاعران وطن پرست و غنایی سرا، بیشترین موقعیت را کسب کردند. (ملا خدر احمدی شایسی) که بیشتر با لقب (نالی) شناخته شده است، اولین شاعر بزرگی بود که اساساً اشعارش را به کردی مرکزی (سورانی) نوشت.

حضور مطبوعات در کردستان با توسعه جنبش ملی کرد همراه است. اولین مجله با نام گویای «کردستان» در سال ۱۸۹۸، در قاهره پایتخت مصر به چاپ رسید. در قرن بیستم، علی‌رغم شکنجه‌هایی که اعضای جنبش ملی کرد متحمل شدند، این جنبش از گسترش باز نایستاد. جنگ جهانی اول و پیامدهای آن وضعیت کردها را از اساس تغییر داد.

تا کنون کردها در جامعه‌ای چند فرهنگی و چندزبانه زندگی می‌کردند. در پایان جنگ جهانی اول کردها بین چهار کشور تقسیم شدند: ترکیه، ایران، عراق و سوریه. از نظر حقوقی دارای اختیار کامل ولی از نظر سیاسی تابع بازی جهانی قدرتهای بزرگ بودند. این کشورها به زودی با مشکلات تنوع زبانی مواجه شدند. خلق آثار ادبی کردی و رشد این زبان، از این پس بسته به آزادی‌هایی بود که کردها در هر یک از کشورهایی که سرزمین آنها را چند پاره کرده بودند، به دست می‌آوردند.

عراق، تحت قیومیت بریتانیا، کمترین حق را در مورد مسائل فرهنگی، برای اقلیت کرد کشورش قائل می‌شد. با وجود اینکه کردهای این کشور تنها ۱۸ درصد از کل جمعیت کردها را تشکیل می‌دهند، کردستان عراق به مرکز فرهنگی کردها تبدیل شد و آثار ادبی از نیمه‌ی دوم دهه ۲۰ رو به گسترش رفتند. کردها از انزوای خود خارج شدند و ارتباط با غرب (با ترجمه‌ی پوشکین، شیلر، بایرون و مخصوصاً لامارتین) آگاهی آنها را در زمینه‌ی شعر دگرگون کرد.

ورود مدرنیته، شعر از راه و روشهای سنتی دور کرد. در وهله ی اول، شعرها شکل سنتی را حفظ کرده بودند. ولی محتوای شعرها مثلاً در بیان احساسات عاشقانه، ناامیدی، خشم و وصف زیبایی‌های طبیعت با نوآوری همراه بودند. چرا که بیان این مفاهیم همراه با ادبیای درونی شاعر غنی تر شده بود. تلاش برای هر چه «کردی تر کردن» زبان با پالودن آن از واژگان و ترکیبهای وام گرفته که از زبانهای غالب وارد شده بودند، به پویاتر شدن نویسندگان آن زمانه منجر شد.

در وهله ی دوم، همزمان با پیدایش بسیاری از ژانرهای جدید (مانند نمایشنامه غنایی - حماسی و شعر نمایشی) که در قالب آنها مبارزات مردم کرد به طریق زنده تری به تصویر می‌آمد، چارچوب‌های شعر سنتی در هم شکست. «گوران» این شاعر بی‌همتا مطمئناً بزرگترین مسبب گسیختگی از سنت بود. در دهه‌ی ۳۰ میلادی، شعر منشور، شعر آزاد و ابیات هجایی که به تصنیف‌های مردمی نزدیک تر بودند، وارد شعر کردی شدند. لحن اجتماعی که در این اشعار به چشم می‌خورد، به آنها یک ویژگی مبارزه‌جویانه می‌بخشید.

نثر، پیشرفت خود را در عصر شکوفایی مجله‌ها و نشریات که حاوی اولین رساله‌های شاعرانه و روایی بودند کسب کرد. داستانهای کوتاه، داستانهای تاریخی - افسانه‌ای که به شیوه‌ی درخشانی شور و هیجان مردم کرد را بیان می‌کردند نیز در این پیشرفت مؤثر بودند. جنبش رومانیک تشدید شد و با رشد پویای موضوع‌ها، درون مایه‌ها نیز پویاتر شدند. این موضوع‌ها اغلب شامل مشکلات اجتماعی زنان، آموزش و مسائل خانواده بودند. ولی برخی با صراحت بیشتری به طرح موضوع‌هایی چون مخالفت با بی‌عدالتی و استثمار روستاییان پرداختند. یکی از درخشانترین نماینده‌های این جنبش «ابراهیم احمد» است که در سال ۱۹۵۹ کوره‌وه‌ری (تیره بختی) را - که یک مجموعه داستان رئالیستی است - منتشر کرد. به خصوص اثر دیگر وی «ژانی گه ل» (درد ملت) قابل ذکر است که در ۱۹۷۳ در بغداد چاپ شد و این اولین رمانی است که به کردی مرکزی نوشته شده است.

در روسیه علیرغم جمعیت اندک کردها (که کمتر از ۲ درصد جمعیت کردها را تشکیل می‌دهند)، آنها را بعنوان یک اقلیت قومی پذیرفته‌اند. کردهای روسیه، کاملاً خودمختار نیستند ولی زبانشان به رسمیت شناخته می‌شود. از این نظر آنها از حمایت دولت برخوردار هستند و مدرسه، مطبوعات و انتشارات مخصوص به خود دارند. گروهی از نخبگان کرد نیز در آنجا بالیده شده‌اند. مجموعه اشعار «جاسم جلیل» (متولد ۱۹۰۸) در نخستین روز جنگ جهانی دوم به چاپ رسید و همچنین «عرب شامو» پرکارترین رمان نویس کرد از سال ۱۹۳۵ شروع به انتشار آثارش کرد.

سوریه تحت قیمومیت فرانسه در دوره ی بین دو جنگ جهانی شاهد شکوفایی ادبیات کردی بود. روشنفکران برجسته ی کرد و فرانسوی (که روزه لِسکو (Roger Lescot) شرق شناس هم جزو آنهاست) نزد شاهزاده «جلادت بدرخان» و برادرش «کامران» در دمشق گرد هم آمدند. آنها مسیبان اصلی نوزایی ادبیات شمال شدند و برای نوشتار الفبای لاتینی بکار می‌بردند. که در نشریه ی «هه وار» آن را باب کردند. این نشریه اقدامات ارزنده‌ای در جهت بیان قابلیت‌های کردی شمال به عنوان زبان ادبی مدرن صورت داد.

بعد از جنگ جهانی دوم و در زمان استقلال سوریه، کردهای این کشور (که ۴ درصد جمعیت کردها را تشکیل می‌دهند) آزادی خود را از دست دادند و سرچشمه ی آفرینشهای ادبی به خشکی گرایید. مؤلفان کرد از این پس مجبور بودند که آثار خود را در خارج از کشور چاپ کنند و یا خود جلای وطن کنند.

در ترکیه، پس از پیروزی نظامی «مصطفی کمال» در مقابل یونان، طبق عهدنامه‌ای که در سال ۱۹۲۳ در لوزان امضا شد، مصوب شد که قسمت وسیعی از سرزمین کردها (با جمعیتی بیش از ۵۲ درصد کل جمعیت کردها) تحت حاکمیت ترک‌ها باشد. این معاهده به اقلیتهای غیر ترک، اجازه‌ی استفاده از زبانشان را می‌داد. چند ماه بعد، مصطفی کمال، به نام اتحاد دولت از این شرط تخطی کرد و تدریس زبان کردی و استفاده‌ی عمومی آن را منع و بیشتر روشنفکران کرد را تبعید کرد. کردها (ترکهای کوهی) به اقلیت تبدیل شدند که در منطقه‌ی اقلیت نشین آنتالیایی شرقی زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۲۳، تمام سنت‌ها حتی در لباس پوشیدن، هر نوع همبستگی حتی در ترانه‌ها و رقص‌های محلی برچیده شدند. بعد از جنگ جهانی دوم، بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱، رژیم ترک به گونه‌ای از دموکراسی بورژوازی متمایل شد. کاربرد شفاهی زبان کردی دوباره مجاز شد و جامعه‌ی جدیدی از روشنفکران کرد شکل گرفت. کودتاهای نظامی سال ۱۹۷۱ و سال ۱۹۸۰ سیاست سرکوب‌های شدید و تبعید به سمت غرب ترکیه را دوباره برقرار کردند. تدریس زبان کردی و چاپ کتب به این زبان تا هم اکنون نیز، به شدت ممنوع هستند.

در ایران نیز (که بیش از ۲۵ درصد کل کردها در آنجا زندگی می‌کنند) همانند ترکیه، قدرت حاکم، سیاست یکپارچه سازی اجباری را روی اقلیت کردش پیاده می‌کرد. هرگونه چاپ کتاب به زبان کردی و تدریس این زبان به طرز شدیدی ممنوع بود. عصر درخشان ادبیات کردی در کردستان ایران برمی‌گردد به اواخر جنگ جهانی دوم در زمان برقراری جمهوری کردستان. این جمهوری علیرغم کوتاهی دوره‌اش که ۱۱ ماه بیشتر نبود، پیشرفت قابل توجهی در ادبیات کردی ایجاد کرد. شاعران بسیاری چون «هه ژار» و «هیمن» در این دوره پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. سرکوبی که سقوط جمهوری کردستان را به دنبال داشت، باعث شد که روشنفکران کرد مجبور به ترک وطن شوند که اکثر آنان به عراق پناه بردند. در فوریه‌ی ۱۹۷۹ طی یک انقلاب مردمی، رژیم سلطنتی از ایران بیرون رانده شد.

مقامات ایرانی، زیر فشار دموکرات‌های کرد که اطراف دکتر عبدالرحمان قاسملو گرد هم آمده بودند و بی‌وقفه خواستار به رسمیت شناختن زبان و فرهنگشان بودند، مجبور شدند اجازه‌ی چاپ بعضی از آثار کردی را بدهند. با وجود اینکه آثار ادبی کردی ممنوع بود، ولی نظام سانسور اجازه‌ی چاپ آثار جاودان ادب کردی قرن ۱۹ را داد و بعضی از این آثار به فارسی هم ترجمه شدند. فرهنگهای لغت، کتب دستور زبان و دائره‌المعارف شخصیت‌های برجسته کرد، با ذکر عصر آنها و مذهبشان به کردی و فارسی منتشر شدند.

در عراق، زندگی ادبی کردها، تحت تأثیر پیامدهای ناکامی قیام طولانی مدت کردها و جنگ بی‌رحمانه‌ی ایران و عراق قرار گرفت. «شیرکو بیکه‌س» شاعر گرد به صف گروه‌های «پیش مرگ» پیوست. در سال ۱۹۸۶ یک سه‌گانه‌ی شعری از این هنرمند به نام هه‌لو (عقاب) در انتشارات پیش مرگها به چاپ رسید. رمان غنایی و زیبای «محمد مکرری» هه‌ره‌س (بهمن) نیز در همین انتشارات چاپ شد. شاعران و نویسندگان کرد توانستند آزادانه نظرات خود را در نشریات گروه‌های پیش مرگ بیان کنند.

روشنفکران کرد راه تبعید را انتخاب کردند و به بیشتر کشورهای غربی پناه بردند. مسأله‌ی قابل توجه این است که اینان برای ادبیات کورمانجی ممنوعه در ترکیه و سوریه سرچشمه‌ی یک نوزایی واقعی شدند. با حمایت صدها هزار نفر از فعالان مهاجر کرد، این روشنفکران گرد هم آمدند و از هیچ تلاشی برای ارتقای زبانشان فرو گذار نکردند. شاعران و نویسندگان در ابتدا آثار خود را برای چاپ به نشریاتی

می سپردند که توسط انتشارات کردی در سوئد چاپ میشوند. در واقع مقامات سوئد، که طالب توسعه‌ی فرهنگی جوامع مهاجر کشورشان هستند، به جمعیت ۱۲۰۰۰ نفری کردها، بودجه‌ی قابل توجهی برای چاپ و نشر آثارشان اختصاص داده‌اند. از اواخر دهه‌ی ۷۰، دهها مجله و نشریه و همچنین تعدادی کتاب کودکان، کتابهای آموزش الفبا و ترجمه‌ی آثار تاریخی در مورد کردها به چاپ رسیدند. آفرینش آثار ادبی ترغیب شد «امین بوذر سلان» داستانهای جذابی برای کودکان نوشت. «روژان بادناس» مجموعه‌های شعر به چاپ رساند و «محمود باکسی» روزنامه نگار و عضو اتحادیه نویسندگان سوئدی به زبانهای کردی، ترکی و سوئدی رمان و داستان کودکان خلق می کرد.

محمود اوزون نیز دو رمان رئالیستی منتشر کرد. در طی ۱۰ سال ۲۰۰ عنوان کتاب به چاپ رسید. در خارج از عراق، این بیشترین تعداد چاپ آثار ادبی کردی بود. ولی در فرانسه، در پاریس، دهها روشنفکر کُرد بی‌باک، فعال و دلسوز در فوریه ۱۹۸۳ اولین انستیتو علمی کُردی را در غرب تأسیس کردند. شش سال بعد بیش از سیصد روشنفکر کُرد که در کشورهای مختلف اروپایی، آمریکایی و استرالیا زندگی می کردند برای نشان دادن یاری و حمایتشان از فعالیتهای انستیتو و همچنین برای نوسازی زبان و فرهنگشان به انستیتو پیوستند.

انستیتو نشریاتی به زبانهای کردی، عربی، فارسی، ترکی و فرانسه منتشر می کند. در مورد مسأله‌ی کُردها ماهانه گزارشی از مناسبات و اطلاعات موجود منتشر می شود که در مورد فعالیتها و پروژه‌های انستیتو اطلاع رسانی می کند. انستیتو کرد برای اولین بار جهت گسترش و شناساندن لهجه‌ی «زازا-دیلمی» (که نزدیک سه میلیون گویشور در ترکیه دارد) تلاش کرد که به حق باید این اقدام انستیتو را ارج نهاد. و بالاخره اینکه، انستیتو، دو بار در سال، نویسندگان، زبانشناسان کُرد را گردهم می آورد که به مطالعه در باب مجموعه‌ی مسائل مربوط به اصطلاح شناسی مدرن پردازند.

این شکوفایی شاعران، نویسندگان و روشنفکران کُرد به طرز چشمگیری تناظر میان آزادی و توسعه‌ی فرهنگی را ترسیم می کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پانویس:

۱. به نظر می رسد چون موضوع مقاله بررسی سیر ادبیات کُردی است، پروفیسور بلو در اینجا از ذکر کُردی جنوب چشم پوشی کرده‌اند. ایشان در مصاحبه شان با سیدخان کوریچ در تاریخ ۱۹۹۶/۱/۱۲ اظهار می کنند که: «لهجه‌های جنوب شامل کرمانشاهی، کلهری، لُری و لکی است. ولی متأسفانه ادبیات کُردی جنوب» در مقایسه با سورانی و کورمانجی چندان درخشان نیست و این شاخه از زبان کُردی نتوانسته است زبان ادبی ایجاد کند. «البته قابل ذکر است که کُردی باشور نیز زبان ادبی ایجاد کرده است و اتفاقاً ادبیات درخشانی نیز در این شاخه وجود داشته است و احتمالاً نگارنده از وجود این ادبیات آگاه نبوده‌اند که این جمله را عنوان کرده‌اند. و در واقع به این دلیل بوده است که این آثار چاپ نشده‌اند.